

خجسته باد «روز بنیاد»

هممیهنان، همزمان،

اکنون، که ایران و انقلاب در ورطه‌ای هولناک فروافتاده و مردم دچار سیه‌روزی بی‌مانندی شده‌اند، از هر فرصت باید برای برانگیختن امید و شور همگانی در راستای تاراندن نیروهای اهریمنی بهره گرفت.

فرارسیدن خجسته‌ی «روز بنیاد»، سرآغاز جنبشی آرمان‌خواهانه در ایران دیرینه‌سال، فرصتی است درخور تا، در خلال بزرگداشت آن، همه‌ی زنان و مردان این سرزمین به گسترش پیکارهای آزادی‌بخش ملی فراخوانده شوند.

در هنگامی که جنگ جهانگیر دوم عفریت مرگ و نابودی را بر جان و هستی آدمیان و ملت‌ها افکنده و همه‌ی بخش‌های ایران کنونی هم به اشغال سپاهیان بیگانه درآمده بود، شماری از جوانان خودساخته با شناخت درست قانونمندی‌های اجتماعی، نخست، به ستیزهای پراکنده با سلطه‌گران پرداختند و سپس، در شامگاه پانزدهم شهریورماه یک‌هزار و سیصد و بیست و شش، سازمانی ملت‌گرا بنیاد نهادند.

در آن سال‌های تیره، که جای‌جای میهن لگدکوب سه امپریالیسم روس، انگلیس، و آمریکا بود، باور ناب این جوانان بپاخاسته شاید تنها آرمان‌گرایی و حتی گمان‌پروری تلقی می‌شد؛ ولی اکنون، که اخگر نیاز ملی از زیر خاکستر زمانه سربرکشیده و تکاپوهای ضدسلطه در چهارگوشه‌ی ایران‌زمین رو به گسترش است، درست‌اندیشی و واقع‌گرایی آنان به ثبوت می‌رسد.

با دریغ، اینک که آغوش مام میهن می‌بایست گرمابخش خیزش‌های رهایی‌بخش در فراسوی مرزهای قراردادی گردد و این گسست شوم را پایان دهد و کانون همگرایی بخش‌های جدا شده باشد، خود در چنبر یک‌تازی واپس‌گرایانه فروافتاده است و زمامداران آن با کوتاه‌بینی تلاش می‌نمایند تا خمودی را جایگزین و لایندگی کنند و آرمان‌های بزرگ ملی را برای زمانی کوتاه هم شده از خاطرها بزایند.

در این میان، انحصار، احتکار، رباخواری، و دلال‌بازی، این پدیده‌های زشت سوداگری بی‌مهاری، هر گونه تلاش اقتصادی را از رونق بازداشته و گرانی سرسام آور به صورت «بغرنج بزرگ» درآمده است و فقر، گرسنگی، برهنگی، بی‌سرپناهی، بیکاری، و نارسایی آموزش در سطح‌های گوناگون رکن‌رکن زندگی مردم را به فروریزی تهدید می‌کند و، بر روی هم، تنگناهای فزاینده از ایران انقلابی ده سال پیش کشوری نابسامان پدید آورده که در آن پریشانی و پیشیمانی فراگیر شده است.

زنان و مردان این سرزمین خدایی نزدیک به هشت سال گروه‌گروه به میدان‌های نبرد با تجاوزگر شتافتند، همه‌ی توان خود را به‌کار گرفتند و، به‌رغم کاستی‌های بسیار، با جان‌بازی، حماسه‌هایی به‌یادماندنی و بی‌مانند در تاریخ هستی ملی به ثبت رساندند؛ ولی افسوس، در اثر ناآگاهی و ناتوانی و انحصارگری زمامداران، فرصت‌های طلایی بسیاری که با قهرمانی‌های جنگاوران ارتشی، سپاهی، و بسیجی پدید آمده بود از دست رفت و سرانجام نیز، با پذیرش خفت‌بار قطعنامه‌ی پانصد و نود و هشت شورای امنیت سازمان ملل متحد و آتش‌بس، بخش‌های دیگری از ایران‌زمین به اشغال دشمن بیگانه درآمد.

شگفتا! آن‌ها که خود بزرگترین سبب‌سازان به‌کژراهه‌افتادن انقلاب و فروپاشی شیرازه‌ی زندگی ملی و به‌ویژه

شکست در «نبرد میهنی» بوده‌اند اکنون ردای قهرمانی بر تن کرده و داعیه‌دار اعجاز در پدید آوردن «دوره‌ی جدید» و چیرگی بر تمامی نابسامانی‌های کشور شده‌اند.

در همه جای دنیا، اگر زمامداران نتوانند وسیله‌های بهروزی همگانی و پیشرفت اجتماعی را فراهم سازند، دست از کار می‌شویند و جای خود را به دیگران وامی‌گذارند؛ ولی در ایران سران جمهوری اسلامی پافشارانه بر جایگاه‌های قدرت چسبیده‌اند و ناخشنودی مردم را هم نادیده می‌گیرند.

چنین است که حزب ملت ایران با کوله‌بار چهل‌ودو سال کوشش خستگی‌ناپذیر در راستای برآوردن خواست‌های اجتماعی و تاریخی ایرانیان و داشتن سهم بزرگ در جنبش ملی شدن صنعت نفت و خیزش‌های به انقلاب انجامیده چاره‌گری برای پایان دادن به همه‌ی نابسامانی‌های یادشده را ضروری می‌داند.

رویدادهای دهساله‌ی پس از پیروزی انقلاب به‌خوبی نشان می‌دهد که به هدف‌های بنیادین آن، استقلال ملی، آزادی‌های فردی و اجتماعی، و عدالت همگانی، و نیز سازندگی میهن جز با برقراری مردم‌سالاری نمی‌توان رسید. از این رو، حزب ما در خجسته‌روز «بنیاد» همه‌ی فرزندان این نیاخاک خدایی، همه‌ی سازمان‌های سیاسی به‌خودایستاده و ناسازوارباروندیکه‌تازی، همه‌ی گروه‌های اجتماعی، کارگران، کشاورزان، پیشه‌وران، کارمندان، آموزشگران، بازرگانان، همه‌ی جوانان کشور، به‌ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان، را به کوشش پیگیر در راستای بازیافتن اسطوره‌ی «همبستگی همگانی» برای برپایی مردم‌سالاری فرامی‌خواند. باشد که در پرتو آن ایران‌زمین یکپارچگی را بازیابد و جاودانه آزاد و آباد گردد.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران